



گروه داوری جشنواره فیلم برلین را تشکیل می‌دهند. از اعضای گروه داوری این دوره است. ساندرا زیس هیات داوران بازیگر بیش از ۲۶ فیلم سینمایی بوده است و حواجز و نامزدی هولر از آلمان تھصیلاتش را درسته بازیگری در داشتگاه ارزنست بوش برلین گذرانده روی صحنه تاثر بازی کرده است. سباستین لیواز شیلی هم کارگردان از جمله آنهاست. جاستین چانگ منتقد فیلم از امریکا که برای لس آنجلس تایمز صاحب نامی است که توجه منتقدان را باساخت نخستین فیلمش جلب کرد.

معرفی داوران جشنواره برلین

در حالی که پیش ترزویت بینوشن به عنوان رئیس هیات داوران جشنواره فیلم برلین ۱۲۹ معرفی شده بود، اعضاي گروه داوران نیز معرفی شدند. آن طور که پاشگاه خبرنگاران جوان به نقل از سایت برلیناله گزارش داد، جاستین چانگ، ساندرا هولر، سباستین لیواز، راجندر ایروی و ترودی استیلر اعضاي این دوره



هادیت می‌کرد و با اصول درام آشنا بود. خب جراحت این نقش طنزی را بازی کرد که بسیار اصولی و حرفا نوشته شده بود. برسیم به فیلم «معکوس»؛ «قصه از کجا شروع شد؟ چطور شد که به فیلم پولاد کمیابی دعوت شدی؟ پولاد کمیابی برای من فیلم منه را فرستاد و من وقتی بکار گردان اکتش بازی کرد که او هم فیلم سازی جوان و به قول فیلم را خوشنام آمد. در این فیلم نقشم را خوندم خیلی از آن خوش شدم. اکتش هم در خانه اداری هنرمند رشد کرده بود و من با شناخت کاملی که از او داشتم در فیلمش بازی کرد که توجه اش بسیار عالی شد. فیلم منه اکتش را سراسر سینما بنمود و براي من دروغ و نقش یك هنرمند شکست خود را بازی کرد که نکید. اندی از جنس آدم های تها و قهرمان مای در معکوس هم دقیقا همین اتفاق افتاد. فیلم منه را که خوندم متوجه یاری شدم و اساسا من دیگر وقتی فیلم منه را می خوانم، متوجه می شود طرف این کاره هم روزی آنها سیار تاکید می کنم. نظرتان را محظوظ باش و حلالش مسعود کمیابی چیست؟

کنند. وقتی نظر این باشد خودآگاه و ناخودآگاه سینما به سمت فیلم مبتذل می روید و اینداز هیچ وقت راه به جای ندارد و فقط جامعه را متمنچ و آدم ها را بلا تکلیف می کند. البته تهیه کنندگاهای هم داریم که فیلم های ارزشمند و حرفا هایی می سازند که درنهایت پول خودش را درگیریشه در می آورد. تهیه کنندگاهای حرفه ای باشد بله است که چطور از راه درست و هنرمندانه پوشش را درگیریشه دریابود.

شما بازیگر حسی هستید و در انتخاب کارها و نقش هایتان علاوه بر تکنیک از حس تان هم زیاد استفاده می کنید. اصول و تکنیک بازیگر همراه با حس و حالش چقدر یک نقش را جلوی بد؟ بینید انسان بدون حس، درست مثل یک کامپیوتر است. تکنیک در خدمت حس است که معنا می دهد. مخاطب من انسان است با گوشت و پوسه و احساسش و من نمی توانم مخاطبم را به شکل دیگر بیینم. به ظرف و وقتی کاری حتی یک نفر تماشاگر دارد باید به احترام گذاشت. من اکرا حس بازی نکنم. چطور می توانم احساسات خوب و بینید انسان را بازی کنم؟ چطور می توانم با اصلیت ارتقا دارم و کلاقل از پذیرفتن هر من نقش یک زبان بازی کرد و نگاه می کنم نه انداده اش. نقش مکمل در مورتی که درست نوشته و پرداخت شود. من تواند تأثیرگذاری مود و نظر را روی مخاطب بگذارد. قول یکی از زبانگان تاثر «نقش بزرگ و کوچک اصل وجود ندارد، هنریشیه بزرگ و کوچک است که وجود دارد». اما

طبقه ای این نقش را که هر چقدر نقش بزرگتر باشد بازیگران نسبت بزرگ هم وجود دارد که هر چقدر نقش بزرگتر باشد تلاش بازیگر بپردازد. طاهر بربان مه ماست؟

من نقش یک زبان بازی کرد و نگاه می کنم نه انداده اش. نقش مکمل در مورتی که درست نوشته و پرداخت شود. در سینمای ایران شخصیت های مرد که هنرمندانه که از گاهی این شخصیت های برابر بازیگر را می نمایند. اینگاریش فیلم نامه های شبان و مردان جوان نوشته

می شود و به ندرت نقش های زیادی بازیگر را می نمایند. پیش آمده که یک شما مای خاص تا مدت هارو شما مایاند؟

براساس شما مای که از نقش های قبلی شکل گفته انتخاب می کنند و شما در نقش های متغیر از زیادی بازیگر کردید. پیش آمده که یک شما مای خاص تا

به نظرم یک بازیگر زمانی می تواند توانایی هایش را به تصویر پکشید که در قالب های مختلف توانند و باور پذیر ظاهر شود. من هم سعی کردم در نقش های متعدد را رعایت کنم و به نظرم اساسا یک بازیگر بناشد خودش را

محضه ای چرا جو و فضای خاص کند. مسأله حتی در میان جوان تراها هم دیده می شوند. یعنی به

جای این که هر چند بازیگر را می آورند که پول خرج نکند. مسؤول اصلی یک کار تهیه کننده است. اوست که تعیین می کند کارگردان یا بازیگران و عوامل فیلم چه کسانی باشند.

نهیمه کنندگاه هم که کل دنبال متن و فیلم به اصطلاح پروش هستند. آنها به جنبه های هنری و دغدغه های است و ماهیت پیچیده و چند لایه دارد. به ظاهر بخنده من قطعا در چنین طنزی بازی می کنم. مثلا در تاثر «شلن»

وزیر ارشاد که هی خوانستند استعفایش بدنه آقای انتظامی رئیس سازمان سینمایی و آقای داروغه را داد که کم جنجال و حاشیه

بله، این هم جمع مدیرانی که این قدر حاشیه و حرف و اتفاق داشته اند که باید برای حضور شان روی صحنه خداقوت آقای انتظامی

مسعود کمیابی می شوند! سینمایی در سینماست! ایران است. او یا به گذار حکم ایران سینماست که نمی توان از تاثیرگذاری اش بر نسل های ایلان راچار چشم پوشی کرد. سینمایی در سینماست! من اگر جوان فکر نمی کردم باید کنار می کشیدم. من هم در در جامعه ایران و ادغام قهرمان در بازیگری هم که باید را داشتم. چنانچه این قدر کمک های شما مادران باید باشند! این قدر کمک های شما مادران باید باشند! این قدر کمک های شما مادران باید باشند!

زنجانپور: کتمان نمی کنم که هر آدمی شهرت را دوست دارد و من هم از این قاعده مستثنی نیستم اما نه به هر قیمتی هیچ وقت به دنبال شهرت نبودم که امروز او را به فیلم سازی تبدیل کرده که همراه با تکاها می شود اصل اکار نیستند. فیلم سازی کرده است. از بین فیلم های ایشان کدام یک را بیشتر من پسندید؟ بسیار راضی ام و دوستش دارم

دلبستگی خاص هم ندارید؟

ظاهر از هنر نقش های طنز و کمدی

طنز به معنای جلف بازی را دوست دارم. اما طنز به معنای

وقتی کلمه را جرا و اگرچند طنز نوشته شود در آن بازی

می کنم. در طنز انسان و زندگی از احاطه فردی با اجتماعی

فضا بوده. در این کار هم با وجود این که کار اولش

مور بحث قرار می گیرد. طنز درست و اصولی تقدیر بارانگیز

بود. اما خیلی مسلط بود و سینما را خوب می شناخت.

من از تمام دلایلی که سر صحنه این فیلم بودم لذت بردم و خوشحالم که باو کار کردم. او بازیگر را درست



این هم نمونه ای از جنابان سیمیرگی که خارج از کشور ساخته شدند و کم حاشیه ایجاد نکردند. البته رئیس اتحادیه شیشه و آینه نسبت به این موضوع و اکشن نشان دادند و از داروغه زاده که گفته ساخت سیمیرگ هادر ایران مقرر به صرفه نیست، دفاع کرد و گفت آنچه جراوه ساخته ساخته ۳۰ تا دونه سیمیرگ صد تا دستگاه وارد کنیم!

MUTE